



باز فکر کردن • قوی عمل کردن • جاره اندیشیدن • هدف ماست

- ماهنامه علمی، فرهنگی و سیاسی
- سال سوم • شماره هفدهم • اسفند ۱۳۹۲

بِه حرف حساب



اگر قرار بود به جای نام عشق، نام های دیگری بی کم و کاست همین معنا را برسانند، به نظر می رسد: سرداری، سرور صبا، سکندرینوشادارو، ستایش، سرزمین مادری، سکوت، سینه سپری؛ ریشه دارترین گزینه های روی میز باشند که ناتی نیستند و هر چه هستند وصال عقلی مقتدر و قلبی آتشین است. من که هر سال سفره هفت سینم را فقط عشق می چینم.

سعيدة كرامتی، روانشناسی

دست خط عاشقی...

به عشق اوسا کریم

با اینکه هممون تو سر و کله ی هم میزنیم و نفس کشیدنو برای هم سخت تر می کنیم، با اینکه هنوز یادمون می ره همدیگه رو چه قد دوس داریم و رفتن تک و توک دوستا و آشناها تازه یادمون میندازه، هنوزم یکی هست که همیشه سر قولش هست. هر بار با ابهت ترسرحنه آماده میشه، سر وقت به قولش عمل می کنه، ما گاهی به بهانه این ترفیق نتونستیم حتی سر قرار عزیزترینمون آماده بشیم، اما همیشه آمار روز و ساعت و دقیقه و ثانیه ی اومدن اون رو یکی دو ماه قبل از اومدنش از زمین و آسمون می پرسیم و سعی می کنیم با عزیزترینمون سر سفره ی اومدنش حاضر بشیم یا هر تگرانی و وحشت و امیدیه که از اومدنش داریم. چون طبیعت ذاتن خوش قوله همیشه خوشحالی و شادی وارد حال و هوای دلمون میکنه. اگه توجه کرده باشیم چه قدر بزرگوارانه اسفند ما رو آماده ی بهار میکنه، انگار یه جورایی فرش سفید بهار میشه، منم با افتخار تموم پامو می دارم روی قلبیه که اسفند برام گرفته و از دیوار کوتاه تمام مشکلات بالا می رم.

میگم: آی دوازده ماه جدید سال نو!

می خوام ثابت کنم ما هم میتونیم سرموقع به قولامون عمل کنیم، می خوام ثابت کنم همه ی نسل سوم چهارمی ها اومدن به روزگارو از آن بندانز و بگن که فقط سرمون پیش خدا پایینه و سعی می کنیم سرمون فقط پیش خدا بلند باشه.

بهار سال ۱۳۹۳!

ما نسل سوم چهارمی های ایرانی یا پشتوانه ی پاکدامنی سیاوش، قدرت و تدبیر رستم، طریق پهلوان پروری تهمینه، پای امام مبین چون سپردن به رسم آرش، قلم پر اقتدار فردوسی، مهر شیرین، دلدادگی فرهاد، سعدی، حافظ، نیما، سهراب، پروین اعتصامی، شهریار، امیر کبیر، شیخ فضل... نوری، کاشانی، میرزا کوچک خان، پوریای ولی، تختی، مردها و زن هایی که سیر دفاعیه وطن تو ۸سال جنگ تحمیلی شدن و بزرگایی که باعث میشن نتونیم به نادیده گرفتن عادت کنیم و همین باعث میشه نخوایم خودمون رو کمتر از این پهلونا ببینیم به حمایت نور الهی مولا محمد(ص) و نوری که از عبای ایشان پنج نور شدند و عالم و روشن کردن، پر امیدتر از قبل ثابت می کنیم که خوش قول تر از بهار ماییم، اونیکه کم میاره ما نیستیم، مگه نه!؟

نویسنده: سعیده کرامتی، روانشناسی

۴ سرکار خانم غیاثوند خوش بر خورد با وجدان کاری بالا

۴ آقای یعقوب سلیمانی مرد فنی دانشگاه با روحیه خوب گره گشایی

۲ مشاوره دفتر مشاوره نهاد رهبری روزهای چهارشنبه از ساعت ۸ صبح تا ۱۲ در مجتمع دانشگاهی ولیعصر (عج)...

۴ تگاهی به فیلم خوب «روز روشن»؛ ساخت یک فیلم اجتماعی منتقد امیدوارانه

۲ سالهای کودکی و شوق پرواز...

۲ خواستگاری حواس جمع می خواهد

تلخ و شیرین دانشگاه تهران مرکز

ما گزینه های روی میزیم ...



به نحوی ایران حرف هایش را در داووس زد و به گوش همگان هم رسید. تنها چیزی که برای دنیا دوباره رونمایی شد چهره دروغین عده ای از حامیان به اصطلاح صلح جهانی بود. اگر اخیراً ژنو ۲ را دنبال می کردید می دیدید عده ای دور میز مذاکره نشستند که به قول دیپلمات پیر سوری خودشان از حامیان تروریسم در سوریه هستند. آیا واقعا جای آن ها پشت میز مذاکرات ژنو بود؟؟؟

جان کری که حالا رفت و آمدش در بین کشورها و متحد کردنشان برای حمله به سوریه به "ماموریت غیر ممکن" بدل شده دوباره دست به دامان این گزینه های شیک روی میز شده است. زهی خیال باطل که بپندارند حتی مذاکرات ۵+۱ به معنای دوستی با آمریکا خواهد بود. ما می دانیم آمریکا هنوز همان شیطان بزرگ است و این عین جمله ای هست که چندی پیش به نحوی دیگر رهبر انقلاب در دیدار با نیروی هوایی جمهوری اسلامی به آن اشاره کردند که "می گویند با ملت ایران دوست هستیم اما از طرف دیگر این ملت را تهدید می کنند و انتظار هم دارند که جمهوری اسلامی از قدرت دفاعی خود بکاهد و این واقعا تسمخوآمیز است و آن ها در این مورد هم دروغ می گویند" خلاصه مطلب اینکه هرزگاهی دلشان برای گزینه های روی میزشان تنگ می شود. آمریکاست دیگر دلش هوای گزینه های جنگی را می کند. حال و هوای سیاسی دنیا را مقدمه کردم تا برسیم به حال و هوای مالی دانشگاه و شروع یک ترم جدید که با آغاز بهار همراه است. اگر بخواهم از مصیبت انتخاب واحد این ترم بگویم که یک طومار می شود. نمی دانم چه بلایی سر سایت آمده بود! سرعت راهم که کلا بیخیالشم می شویم...

دم کافینت های کنار دانشگاه که ایستاده بودم، عده ای از دانشجویان گریه می کردند که آآی دریغ از یک واحد درسی که توانسته باشند انتخاب کنند. راستی یک نکته جالب و قابل تامل دیگر اینکه آیا برای شما هم هنگامی که انتخاب واحد می کردید این عبارت با رنگ قرمز آمد؟ **(بهی خود را حداکثر تا ۲۲ ساعت دیگر به حساب دانشگاه پرداخت نمایند ای دانشجوی گرامی...)**

بعضی دانشجویها که از ترس جانانشان تا قبل از همان ۲۲ ساعت کل شهریه را ریختند اما عده ای هم مثل مای بینوا دل را زدیم به دریا و گفتیم جیبمان خالی است هر چه پادا باد. گفتیم بکنند این هم شد گزینه های روی میز مسئولین گرامی! بی شک یاد آن سورپرایز مالی چند ترم پیش افتادم که در یکی از شماره های بقیه زدیم. دوستان حتما خاطرشان هست. با همه چیزهایی که گفتیم شروع ترم جدید را به همه بقیه خون های عزیز تبریک می گوئیم.

محترمانه به بان کی مون گفته: ای جای ما در مجلس است، یا ایران...! پیش شرط های آن ها را قبول نکردیم و دعوت نامه ما لغو شد. دوستان در گوشی بگویم دور هم داریم تلخ و شیرین می خوانیم ما نفهمیدیم فلسفه وجودی سازمان ملل متحد چیست؟! رئیس این سازمان برای حفظ صلح در جهان تلاش می کند یا مهره بازی قدرت های دنیاست؟! یا اینکه کلا این سازمان چیزی جز یک ساختمان اداری ساده نیست دیگر قضاوت با خودتان. با این حال

فاصله بین امتحانات و شروع ترم جدید با اتفاقات عجیب و غریب زیادی همراه بود. ما هر کدام مشغول خواندن امتحانات خود بودیم و دنیا داشت مجلسی برپا می کرد به نام ژنو ۲ دستشان درد نکند اول با کلی ذوق و شوق دعوت نامه فرستادن که ای ایران جان، قدم رنجه فرما بیا برای سوریه چاره ای بیاندیشیم بیا دور هم باشیم ببینیم اصلا تروریسم کیست؟ بعد کاشف به عمل آمد که طرف غربی ما آمریکا، به طور خیلی

میریدیم جشنواره تجلیل از نخبگان دانشگاهی هم در تالار باری برگزار شد.

همین مناسبت، جشن دهه فجر از سوی کانون قرآن و عترت در نماز خانه مجتمع برگزار شد. والته زمانی که ما در فرجه میان دو ترم به سر

جشن ولایت عهدی امام زمان (عج) در مجتمع از سوی کانون محبان المهدی و توزیع شکلات و شیرینی وچای در بین دانشجویان به

و اما اندر حکایت کوتاه مجتمع...

تصنیف پدچر

استمارنو

مسئله ی استقلال، مسئله ی مهمی است برای کل کشور و کل انقلاب. استقلال یکی از پایه های انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی بود. شعار «استقلال» در کنار شعار «آزادی» مهم ترین شعارهای انقلاب بود و هست و خواهد بود.

ببینید، بعد از شکست شیوه ی استعمار مستقیم - که قبلاً معمول بود و کشورها را به صورت مستقیم استعمار میکردند که آن شیوه منسوخ شد، استعمار جدید جایگزین آن شد؛ استعمار جدید به این صورت بود که قدرتهای مداخله گر خارجی مستقیماً وارد ادارای کشورهای تحت استعمار نمیشدند؛ عوامل آنها و کسانی که گوش شنوایی از آنها داشتند و متکی به آنها بودند، در رأس کشورهای قرار میگرفتند و چون حکومت متکی به خارج بدون استبداد امکان پذیر نیست، با استبداد حکومت میکردند و منافع قدرتهای خارجی را تأمین میکردند؛ این استعمار جدید بود. مبارزه ی با استبداد بدون مبارزه ی با آن قدرت خارجی ای که پشت سر دیکتاتور و مستبد قرار دارد، به جایی نمیرسد و نمیرسد. امروز هم همین جور است؛ اگر فرض کنیم یک ملتی که از استبداد حاکمان خود به جان آمده، قیام کند و انقلاب کند و با آن مستبد مبارزه کند، اما با آن سلطه گر خارجی ای که پشت سر این مستبد قرار داشت، سازش کند، سرنوشت این انقلاب و مسئولان و مدیران این انقلاب، یا شکست است یا خیانت، از این دو حال خارج نیست؛ یا دچار خیانت خواهند شد و به انقلابیشان، به کشورشان خیانت خواهند کرد؛ یا اگر بخواهند خیانت نکنند شکست خواهند خورد، از صحنه محو خواهند شد. همچنان که در بعضی از انقلابهای این چند سال اخیر ملاحظه کردیم با مستبد جنگیدند، اما از آن نیروی پشت سر مستبد غفلت کردند، یا احیاناً به فکر سازش و مدارا با او افتادند؛ نتیجه را امروز ملاحظه میکنید. مبارزه ی با مستبد و سازش با مستبد که جایی نخواهد رسید. آن انقلابی موفق خواهد شد و پیروز خواهد شد که آن قدرت مداخله گر پشت سر دیکتاتور را هم ببیند و با او مبارزه کند؛ لذا وقتی جوانهای ما رفتند لانه ی جاسوسی آمریکا را گرفتند و ضربه ی تحقیر آمیزی را به آمریکا زدند، امام گفتند «انقلابی بزرگتر از انقلاب اول». انقلاب اول هم انقلاب بود، انقلاب عظیم و بی نظیری بود، اما در این حرکت دوم، ملت ایران نشان داد که لایه ی بعدی سلطه و گرفتاری و بلا را میشناسد و با آن مقابله و مبارزه میکند.

بیانات مقام معظم رهبری در دیدار کارکنان نیروی هوایی ارتش

معضلات دانشگاه و لبخند مصلحتی



این حیات و اون حیات

واحد حیاطن. این واحد بر عکس بقیه ی درسهای تخصصی خواهان زیادی داره و اگر بچه ها این واحد و پاس کتن بازم دوست دارن از کارها و درسای دیگشون بزبن تا بیان سر این درس بشینن. ناگفته نماند این واحد بدون استاده و بچه ها خودشون استاد خودشون و به طور گروهی درسشونو یاد میگیرن. تو سر این کلاس این قدر بچه ها ازادن که سیگارم می کشن و اصلا اشکالی نداره که بوش بچه هایی که سر کلاس نشستن اذیت میکنه یا نه؟ نمی دونم زندگی آپارتمانی باعث شده بچه ها حیاط رو به جاهای سر بسته مثل کلاس و کتابخونه ترجیح بدن یا علاقه ی بیش از حد دوستان به طبیعت سرسبز و زیبای حیاط که جا داره همین جا از باغبون حیاط تشکر کنم که این قدر مراقب گل و درخت های حیاطن. البته ممکنه کم بودن دوستان دانشجو در کتابخونه به این علت باشه که اونجا شده پاتوق عده ای از دوستان واسه خوش و بش کردن. یا ممکنه بعضی هاتون بگین بی خیال بابا، بذار بچه ها آزاد باشن اصلا اسمشم که دانشگاه آزاده. آره درسته ولی ما که داریم اسم دانشجو رو یکد می کشیم و به اون مکانی که واسه تحصیل توش می ریم دانشگاه میگویم پس باید لاقول ژستامون هم که شده به دانشجو بیاد. حداقل ۲۵ درصد از بچه ها واسه مطالعه بریم کتابخونه به خدا ضرر نمیکنیم. به امید چنین روزی.

هر وقت اسم درس و دانشگاه میاد همه ما یا شاید اکثرا یاد کتاب و کلاس و دانشجوهای در حال درس می افتیم، اما خب دانشگاه ما رو که می شناسین تو سورپرایز کردن رتبه اول رو بین دانشگاههای خاور میانه داره!! این جا هم دانشجویان دست به دست هم دادن تا تو این موضوع هم ما پیش گام باشیم. راستش موضوع از این قراره که دانشگاه ما از لحاظ جمعیت و مهاجر پذیری دو جا رو داره که خیلی شاخصه یکی حیاط ویکی هم کتابخونه. از تبتتر مطلب فکر کردین میخوام بخونم این حیاط و اون حیاط، میباشن نقل و نبات نه! منظور از حیاط همین فضای ورودی دانشگاهه و منظور از اون حیات زندگیه که با استفاده از کتابخونه پر بار میشه. اصولاً تو هر دانشگاهی کتابخونه مرکز ترویج فرهنگ و مکان و پاتوقی ثابت واسه ی دانشجویهاست ولی متأسفانه این مکانم صندلی هاش مثل صندلی های استادیوم آزادی مشتری نداره. وقتی می ری اونجا حداکثر افراد حاضر پنج نفرند که در نزدیکی روزهای پر التهاب امتحانات ده نفره این عده اضافه کنین و تازه هم پنج، شش نفرند که واقعا تو بحر درس و کتابند و بقیه سیاهی لشگرند. و اما عده ای دیگه از دانشجوهای که تعدادشون ۳۰۴ برابر بچه های کتابخونس در حال پاس کردن

خبرنگار بقیه پیچ

سالهای کودکی و شوق پرواز...

اولین پروازتان چه زمانی و در کجا اتفاق افتاد؟

ازمایشات مختلف ورودی نزدیک به ۵ ماهه طول کشید. که من در بین ۲۵ نفر اخذ کنندگان سردوشی، پس از گذراندن دوره آموزش نظامی بودم.

در سال ۴۵ نخستین پروازم را در فرودگاه دوشان تپه، با مرحوم سرگرد افغان طلوعی انجام دادم و پرواز با هواپیمای سنسنا ۱۸۲ نخستین گام من در آسمان بود.

چه زمانی بورسیه آمریکا گرفتید و این ایام چگونه گذشت؟

به همراه تعدادی از دانشجویان پس از گذراندن دوره آموزش اولیه، با استفاده از بورسیه کمک نظامی به پایگاه کلنلد در ایالت تگزاس اعزام شدیم، مجبور بودیم آن جا نیز دیپلم زبان بگیریم تا مجوز ورود به مراحل بعدی را داشته باشیم. بعد از کسب دیپلم زبان در آمریکا به پایگاه رندولف اعزام شدیم. من نخستین دانشجوی خارجی در این پایگاه بودم. در ابتدا با هواپیمای ملخ دار تی ۴۱، و سپس با هواپیمای تی ۳۷، نود دقیقه پرواز آموزشی را پشت سر گذاشتم. این دوره ۱۸ ماه به طول انجامید و در همراه ۴۷ فارغ التحصیل و با درجه ستوان دوم به کشور بازگشتم.

برای نخستین بار به کدام پایگاه شکاری منتقل شدید؟

به محض اینکه به ایران برگشتم با درجه ستوان دومی به گردان آموزش اف ۵ به فرودگاه مهر آباد منتقل شدم. در آن زمان اف ۵ یکی از بهترین هواپیمای شکاری محسوب می شد. هنوز دوره آموزش با اف ۵ به انتها نرسیده بود که در سال ۴۷، روابط ایران و عراق بهم خورد، و گروهی از خلبانان را به سرپرستی فردی به نام ریعی به مراغه اعزام کردند، از آن جایی که مراغه هیچ شرایطی برای عملیات نداشت به ناچار به تبریز اعزام شدیم. به دلیل شرایط ناساعد پایگاه تبریز برای حفاظت از هواپیماها گونی های شن را دور تا دور آن ها می گذاشتیم که در حمله احتمالی آسیبی متوجه هواپیماها نشود.

فرج اله برات پور در هشتم شهریور ماه ۱۳۲۴ در کنگاور استان کرمانشاه به دنیا آمد. خانواده اش، متشکل از یک خواهر و پنج برادر بود. پدرش یدالله به معلمی اشتغال داشت اما بعدها به شرکت نفت انتقال یافت.

امیر برات پور می گوید علاقه اش به پرواز برمی گردد به سالهای کودکی و از آن جایی که پدرم به شکار و کوه علاقه مند بود مرا نیز به همراه خود به ارتفاعات می برد. به یاد دارم آن روزها منطقه جوان رود دچار آشوب شده بود و حکومت برای برای سرکوب این آشوب ها هواپیماهای تی ۳۰ را برای سرکوب شورش ها به آن منطقه می فرستاد.

در سال ۴۳ دیپلم فنی را در یکی از هنرستان های صنعتی کرمانشاه اخذ کردم. اما از آن جایی که متوجه شدم برای ورود به عرصه خلبانی دیپلم ریاضی مدنظر است، دیپلم ریاضی را نیز به طور متفرقه کسب کردم.

زمانی که تحولات انقلابی رخ می داد شما در کدام پایگاه مشغول به فعالیت بودید؟

در سال ۵۷ برای گذراندن دوره شش ماهه مدیریت و نگه داری به همراه خانواده ام به آمریکا رفتم. در روزهای پایانی آموزشم در آمریکا که در آن زمان به درجه سرگردی رسیده بودم توسط یکی از افسران رده بالای آمریکایی پیشنهادی داشتیم مبنی بر اینکه با توجه به شرایط بحرانی ایران می توانیم با امکانات عالی در آمریکا بمانیم که من در همان روزها به ایران برگشتم.

بازگشتم به ایران همزمان شده بود با فرار شاه و بحران های موجود در کشور، و نمی توانستی هماهنگی بین هیچ دستگاهی پیدا کنی، نیروی هوایی هم از این امر مستثنی نبود، با توجه به اختلاف میان هما فران و درجه داران شرایط نیروی هوایی به شکلی شده بود که ساعت های پرواز کاهش پیدا کرده بود.

در این میان خلبانان شبانه روز با اسلحه به حفاظت از هواپیماها مشغول بودند. تا مبدا نیروهای احزاب مخالف به انفجار این هواپیماها دست بزنند.

نخستین واکنش نیروی هوایی به حملات عراق در روزهای نخستین جنگ چه بود؟

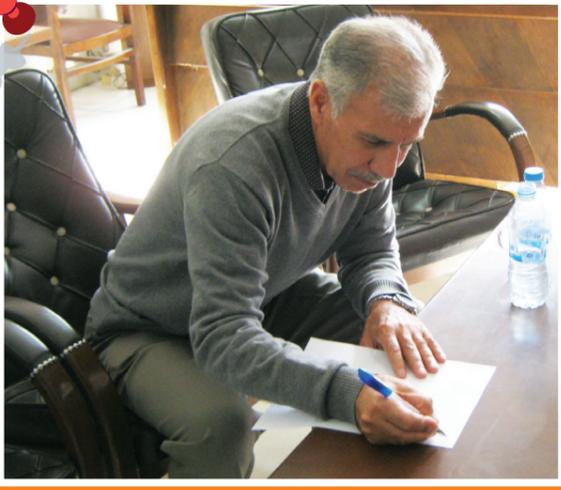
عراق جنگ را از خرداد ۵۹ با حمله به پاسگاه های مرزی به شکل غیر علنی آغاز کرده بود. نیروی هوایی با هشدار هایی به مقامات زیربط این نکته را مدام گوشزد می کرد که عراق هر روز در حال تجهیز

کردن ارتش خود و حمله به مرزهای ایران است. این حملات ادامه داشت تا اینکه در ۱۷ شهریور دوتن از خلبانان غیور نیروی هوایی به نام سرگرد محمود اسکندری، و شهید ستوان علی ایلخانی برای اینکه جواب دندان شکنی به نیروهای بعثی بدهند با هواپیمای فانوم از پایگاه همدان به پرواز درآمدند و بسا وجود بمباران مناطق عراق مورد اصابت قرار گرفتن و متاسفانه مرحوم ایلخانی پس از بیرون پریدن به گمرک خسروی برخورد کرد و به شهادت رسید.

در ۱۹ شهریور ماه به دلیل درگیری کاری و داشتن مسئولیت هایی از جمله معاونت لجستیک و معاون عملیات در پایگاه همدان آروز متوالی استراحت نکرده بودم و سرگرد علی شمس بیگی که از دوستان نزدیک من هم محسوب می شد، پست مرا قبول کرد و من برای استراحت رفته صبح روز بعد که به پایگاه برگشتم اثری از شمس بیگی نبود او در نبود من برای شناسایی رفته بود و بالگرد او مورد اصابت قرار گرفته بود، او تمام ۸ سرنشین بالگرد به شهادت رسیده بودند.

در ۲۰ شهریور طبق اطلاعات به دست آمده ما عراق بخش عظیمی از ارتفاعات ایران را به اشغال خود درآورده بود، عراق علی رغم داشتن هواپیماهای پیشرفته هیچوقت نمی توانست به خوبی از آن ها استفاده کند چراکه از داشتن خلبان ماهر محروم بودو نخستین حمله رسمی عراق به پایگاه های نیروی هوایی با بمباران پایگاه دزفول آغاز شد.

مهم ترین عملیات های نیروی



هوایی در روز های نخست جنگ چه بود؟

در روز اول مهر طی دستور فرماندهی کل نیروی هوایی طرح البرز که به کمان ۹۹ شهرت داشت، صد و چهل فروند هواپیما از پایگاه مهرآباد برای حمله به خاک عراق با هدف بمباران سکوها و نفتی و پل های عبوری به پرواز درآمدند که در این بین ۳۶ فروند آن متعلق به پایگاه همدان بود.

به دلیل شرایط جنگی که حاکم شده بود به دستور فرماندهی کل فرماندهان پایگاه اجازه پرواز نداشتند اما من وقتی می دیدم تمامی عملیات های سخت را شاگردانم انجام می دادند به خود می گفتم من که از آن ها با تجربه تر هستم و آموزش های مختلفی را دیده ام من نیز باید در کنارشان باشم، لذا با هماهنگی ای که با فرماندهی کل، انجام داده بودم با مسئولیت خودم پرواز می کردم.

از امیر برات پور درمورد شناسایی مناطقی که باید بمباران می شد سوال کردم که در جواب فرمودند: شناسایی توسط خلبانان شجاع هواپیماهای آر-اف ۴، سورتمی گرفت، این هواپیماها مجهز به دوربین بودند و از مناطق مورد نظر عکسبرداری می کردند.

در پایان نیز باز هم درود و هزاران درود می فرستیم بر عقابان تیز پرواز نیروی هوایی که جان بر کف از ایران عزیز صیانت کردند.

گفتگو از آذر ایرانی

دانشجوی رشته ارتباطات

آسمانی ها...

فضا با «بابه انت و امه» عطرآگین شد

هیچ گاه یادم نمی رود بعد از کربلای ۴ به همراه شهیدان زمانی، یزدان پناه و رشیدی در جزیره ام الرصاص به یک جنازه نیم تنه یک غواص ایرانی که پس از گذشت مدتها بوی تعفن گرفته بود، برخورد کردیم.



با رفقا گفتیم که این جنازه را دفن کنیم؛ در حال دفن کردن جنازه بودیم که یکی از شهدا گفت: زیارت عاشورا بخوانیم؛ بوی تعفن اذیت می کرد، اما در حین خواندن زیارت عاشورا وقتی به جمله «بابی انت و امی» رسیدیم بوی عطر گل یاس فضا را پر کرد. واقعا بوی عطر گل یاس به مشام رسید و همه متعجب ماندیم؛ بوی بهشت را آن روز احساس کردم.

مدتها بعد شهید زمانی را دیدم که با صدایی دلنشین و به قول ما کردها با صدایی حزین شعر «کجا بید ای شهیدان خدایی» را زمزمه می کرد؛ پرسیدم آن روز چی شد که بوی تعفن یک مرتبه تبدیل به بوی یاس شد.

یک مرتبه زد زیر خنده و بعد اشکهایش سرازیر شد؛ گفت آقا طلبه شما دیگه چرا؟! بعد ادامه داد: این شهید هنگام حیات دائم می گفت «بابی انت و امی یا حسین»، پدر و مادرم را فدایت می کنم و حتی در زمان شهادت هم می خواهد به من و شما بفهماند که ای حسین(ع) حالا هم که شهید شده ام خودم، پدر و مادرم به فدای شما.

من تازه فهمیدم که اولیای خدا در جبهه تا چه حد معرفت کسب کرده اند؛ شهید زمانی که از بچه های اسلام آباد بود در عملیات مرصاد به شهادت رسید و باید بگویم که یکی از عرفای دوران زندگی بنده همین شهید زمانی بود.

بر اساس خاطره ای از روحانی جانباز

حجت الاسلام مصیب بیانوند

مسئول دفتر فرهنگ مجتمع پیامبر اعظم (ص)

حد مردان



حربمی که زن برای خودش ایجاد می کند، حدی است که برای مردان حاصل می شود.

غم دانشگاه آزاد

فاش می گویم واز گفته خود دلشادم من اسیر غم دانشکده ی آزادم بس دویدم همه روز از بی درس و استاد پول ها داده ام وترم به ترم افتادم کارورزی که نمودم همه از بی پولی است ورنه این درد بسوزد همه بنیادم همه ی دردمن از حذف شدن در ترم است پیر دانشکده ام بس که نکردی یادم هر چه گفتم همه با دید تغییر دیدند چار سالی است که در دیر شما افتادم اگر از درد دل هم نفسی کم نکنیم پس چگونه بنویسم که هستم آدم هر کسی اهل دل ماست دعایی بکنند من اسیرم به غم عشق ولی دلشادم

شاعر: طاهره فهیمی نجم

فارغ التحصیل ارشد ادبای و عرفان

سعادت دنیا و آخرت انسان است از سویی با فطرت واستعدادهای الهی درونی بشر سازگاری دارد و ازسوی دیگر با عقل و هدایت الهی وتشویقی پیامبران حق، همراه می باشد، و از آنجا که انسان برای سرنوشت خویش درجهان ارزش ویژه ای قائل است، اسلام می کوشد تا با همکاری وترویج فرهنگ برادری، جامعه هدایت یافته تربیت نماید. لذا توجه به مسئولیت راهنمایی انسان از اصلی ترین اهداف نهضت الهی قرآن کریم است و طبعاً عوامل مهمی در ایجاد بشر وزمینة های پیدایش این تفکر و ضرورت آن در حیات اجتماعی بشر دخالت دارد که مهمترین آنها عبارتند از :

محبت و دگر دوستی و تشویق مردم به محبت با یکدیگر، همبستگی و همکاری با یکدیگر، چنانچه قرآن کریم می فرماید: ... فالف بین قلوبکم فاصحتم بنعمته اخوانا (آل عمران آیه ۱۰۳ یعنی



مشاوره

... « و خدا در دلهای شما الفت ومهربانی انداخت و به لطف خداوند برادر دینی یکدیگر شدید ... » مسئولیت پذیری در قبال جامعه قرآن کریم می فرماید: ...مسلمدا در برابر آنچه می کنید مسؤولهستید و مورد سوال قرار می گیرید.نحل آیه ۹۲) راهنمایی و جلوگیری از خسران انسان از آنجا که انسان همواره در خسران و زیانکاری است و مانند کسی است که سرمایه عظیمی دراختیار دارد ولی بی آنکه بخواهد، هر روز قسمتی از آنرا از او می گیرند و این طبیعت زندگی دنیاست زیرا «ان الانسان لفی خسر» (والعیبر، آیه ۲) و انسان با ایمان و عمل صالح و سفارشی به انجام حق و صبر واستقامت در راه آن، می تواند جلوی این زیانکاری را بگیرد. راهنمایی وسیله رشد و تکامل است راهنمایی باعث می شود تا انسان از تواناییها، محدودیت ها، علایق واقعی وامکاناتشان درک عمیقی بدست آورند و از امکانات محیط و کلیه اموری که به نحوی در رشد و تکامل آنان موثر است، آگاه گردند و از این امکانات، متناسب با تواناییهای خود بهره گیرند. تفاوت فردی و ضرورت راهنمایی؛ وجود تفاوتهای فردی باعث می شود که افراد از استعداد ها، رغبت ها، نارسائیها و خصوصیات فردی

ساخته شوند تا بر آن اساس در رفع مشکلات ومسایل زندگی، راهنمایی و هدایت گردند. تفاوت دنیای نوجوانان با بزرگسالان درحقیقت نوجوانان امروزی در دنیایی زندگی می کنند که با دنیای بزرگسالان تفاوتی آشکار دارد؛ طبع جوان نوجوه است و به هر چیز تاره ای علاقه دارد. امروز ما احتیاج به ایجاد یک دگرگونی عمیق در هدایت و راهنمایی و رهبری مردم خواهیم داشت) آداب و رسوم زمان خود را با فکشار وزور به فرزندان خویش تحمیل نکنید، زیرا آنان برای زمانی غیر از زمان شما آفریده شده اند. «مشورت ازنگاه قرآن: درقرآن کریم به مسأله مهم مشورت واریه راهنمایی اشاراتی شده است منجمله درآیه ۲۸ سوره شورا که می فرماید: وامرهم شوری بینهم و یا در آیه ۱۵۹ سوره آل عمران فرموده است: و شاورهم فی الامر فاذا عزمت فتوکل علی الله

بنابراین ابتدا دستور داده تا مشورت شود وسپس در مقام اجرا و عمل، فرمان داده شده است. افزواید مشورت رسیدن به رای درست ودیگر آنکه در سایه مشورت است که نظر درست وصحیح به دست می آیدواز لغزشها و خطاها جلوگیری می شود. رشد عقل قابل ذکر است که در منابع اسلامی راهکارهایی برای رشد عقلی انسان پیش بینی شده است که چنانچه بدانها عمل شود موجب رشد و شکوفایی عقلی انسان دراجتماع خواهد شد. چنانچه امام علی علیه السلام دراین باره می فرماید: من شاور الرجال شاركها فی عقولها، و کسی با بزرگان (اهل رای و نظر درست) مشورت کند در عقل های آنها شریک خواهد شد.بند پذیری ونقد پذیری: یکی دیگر از فواید راهنمایی و مشورت ایجاد زمینه های فکری، روحی وروانی و عقلی است که انسان می تواند به برکت قبول نصیحت و مشورت دیگران، عیوب خویش را شناسایی کرده و در جهت رفع این عیوب تلاش نماید. از این رو به جای آراستن عیوب و کمناز زشتی ها و پرده پوشی نارساییها، باید آنها را گفت و شنید و در برطرف ساختنش کوشید. تذکر و نقد: « از همین جاست که قیمت وقداست می یابد و برای بعضی ها « یادامدی » یک وظیفه می شود و برای بعضی ها یک فضیلت اخلاقی به شمار می آید.

انسانهای کمال جو باید از این گونه تذکرهاستقبال کنند چون مقدمه تکامل آنهاست و گرنه برای همیشه در جهل مرکب میمانند. چنانچه سعدی در سخنی حکیمانه می گوید: « متکلم را تا کسی عیب نگیرد، سخنش صلاح نپذیرد » (گلستان سعدی، باب هشتم) اما نقد کردن باید به شیوه ای صحیحی تر، خودمانی تر، در خلوت وبدون آبروبریزی و هتک حیثیت باشد، که در این صورت هم مؤثرتر است و هم از کینه توزی و کینه افروزی ولجاجت دورتر. گاهی نقادی در آشکار و پندو تذکر در ملاعام، اثر منفی دارد وطرف را به عکس العمل وای می دارد وشخصیت او را خورد می کند. انسان گاهی اوقات بخاطر حب نفس یا عیوب خود را نمی بیند و نمی فهمد یا حاضر نیست خود را دارای عیب و نقص بداند، از این رو، نقد و تذکر دیگران را هم بر غرض ورزی و دشمنی حمل می کند. گاهی ممکن است در حسن نیت وخیرخواهی و نظر داورستانه کسی شک و تردید داشته باشیم و در نتیجه به آنچه که نقد میکند، توجهی نکنیم، ولی اگر حسن نظر ونیت دوستانه کسی برای ما ثابت بود در پذیرفتن نقد و تذکر و پند او نباید تردید کنیم. در پناه حضرت احدیت باشید.

مریم زمانی، مشاور دفتر نهاد رهبری در دانشگاه



او خواهد آمد، او خواهد آمد

تاریکی، سیاهی و ظلمت جهان را فرا گرفته بود و خورشید حقیقت از دنیا رخت بر بسته بود و مردمان دنیا در آن ظلمت و تاریکی روزگار می گذراندند. البته آنها زندگی نمی کردند بلکه فقط زنده بودند و حیات داشتند. عشق و مهربانی از دنیا رنگ باخته بود و سنگدلی جایگزین آن شده بود. دولتها در جنگ با یکدیگر مطامع و منافع مادی خود را می جستند و رنج و درد مردم برشان معنی و مفهومی نداشت، عدالت رنگ باخته بود، ایمان از دست رفته و آسمان تیره و تار شده بود.

من خود شاهد آن نبودم و فقط آنچه خوانده ام و شنیده ام را نقل می کنم. انگار جهان در کشمکش و انتظار به سر می برد. یهود منتظر مسیح بود تا به قدرت و امپراطوری برسد. ایران و روم در کشاکش جنگهای طولانی، قدرت و امپراطوری خود را حفظ می کردند یکی در شرق و دیگری در غرب، جنگهای طولانی، کشتار و نابودی مردمان، سربازان و اما یهودی منتظر بود منتظر عظمت و بزرگی گذشته، منتظر تجدید خاطره ی دوران داوود و سلیمان و

منتظر یک نجات بخش. اوضاع جهان در قرن ۷ میلادی بدین گونه بود و جهان شناخته شده در تاریکی فرو رفته و غرق شده بود. عیسی مسیح در متون مسیحی به پسر خدا تبدیل شده بود، زردشت در تاریخ گم شده بود و موسی در تورات ناپیدا بود، اما باز هم جهان در انتظار به سر می برد، جهانی که یک سوی آن امپراطوری ساسانی و در طرف دیگر آن غرب و امپراطوری بیزانس و جهانی حائل میان این دو امپراطوری. اما زیمان موعود فرا رسید، لحظه حساس و مهمی که شاید کسی در انتظارش نبود جز یهود، شاید در آن زمان بردگان، ضعیفان و رنج دیدگان هم منتظر وی نبودند. با این حال مقدر شده بود که او بیاید و او آمد، البته نه از شرق و نه از غرب، نه از اروپا و نه از افریقا و نه از میان ملل متمدن آن زمان. او آمد اما حمایت نشد جز از طرف پابرهنگان و رنج دیدگان، مستضعفان و بردگان.

او آمد تا آنها را رهایی بخشد، آزاد کند و زندگی دوباره به آنها ارزانی دارد. او خودش بود آخرین

پیامبر، خاتم پیامبران. او با کتاب مبعوث شد و آمد تا با کتابش دنیا را نجات دهد، البته با قرآن نه با اسلحه و نه با زر و نه با زور و تزویر. او به سراغ شاهان رفت، به میان اشراف نرفت و با آنها نزیست بلکه به میان بردگان رفت و از آنها شروع کرد و قرآن به آنها آموخت. او دنیا را به صلح و آرامش خواند اما با کتاب (قرآن) و آموخت بدانها مهربانی و عشق نه جنگ و جدال.

او از جایی برخاست که تمدن نداشت، فرهنگ نداشت، فقط شعر داشت و فلسفه نداشت. او به آنچه می گفت عمل می کرد و فقط حرف نزد چرا که ابتدا خود انجام می داد و سپس به دیگران می آموخت اما هیچ گاه بردگان را از یاد نبرد، ضعیفان را فراموش نکرد چرا که پابرهنگان و بردگان برایش مهم بودند و او بی دینان را هم کمک می کرد و او فراتر از زمانش بود و حال فراتر از دنیا و جهان بعد از خودش. یهود منتظرش بود ولی او را پس زد، چرا که یهودی نبود و از بنی اسرائیل و نژاد آنها نبود. او که بود، انسان بی شک یک انسان بود ولی زمینی نمی اندیشید و

آسمانی رفتار می کرد، اما در زمین بود و با بردگان می زیست و در میان آنها بود مثل پدرانشان. او کاخ نداشت قصر نساخت و بردگان را هیچ گاه از یاد نبرد. امپراطوران او را ندیدند و جدیش نگرفتند اما بردگان او را دوست می داشتند و او یک چیز می گفت: ((احد)) نه چیز دیگر. با این کلمه بنها شکستند و دیوها مردند، رستمها از یاد رفتند و ارسطوها خاموش شدند و بردگان انسانهای پاک روی زمین شدند. او آکسیری به جان آدمی می ریخت که کیمیاگری می کرد اما او فقط یک انسان بود و امی، روشنفکر نبود، فیلسوف نبود اما انسانی واقعی با افکاری متعالی بود، نه از چپ بود و نه از راست، او خدایی بود آسمانی می اندیشید ولی به واقع یک انسان بود.

برای او دشمنانش هم مهم بودند و از زر و زور و تزویر گریزان بود، اما باز هم به دشمنانش ترجم می کرد و از آنها می گذشت، خاکروبه های سرش را از یاد می برد و یاد داد که چگونه باید گذشت کرد و چگونه باید اندیشید اما با این حال او یک انسان امی بود. از او می نویسم در حالیکه دلم برای دیدنش پرر

می زند، اما مگر او دوباره خواهد آمد، می گویند می آید، خواهد آمد دوباره با کتاب می آید. ما منتظرانیم ما بردگان منتظر اویسیم، منتظر آمدنش، گفته اند دوباره خواهد رفت و دشمنانش نابود خواهند شد. گویند یهود او را نمی خواهد اما عده ای منتظرش هستند او عدالت می آورد و با کتاب خواهد آمد و ظالمان به عنوان حاکمان همیشه ی تاریخ با منطق وی از میان خواهند رفت و نابود خواهند شد. زر و زور و تزویر را از میان خواهد برد و بردگان را نجات خواهد داد. آیا پس از ۱۴۰۰ سال دوباره مسیح (نجات دهنده) خواهد آمد، آیا مسیح خواهد آمد. می گویند عیسی هم با او می آید، پس می آید و می آید او مستضعفان را نجات خواهد داد دوباره پس از سالها، پس از سالها تاریکی، جهل و ظلمت او خواهد آمد

نویسنده: یونس مشرقی
ارشد فلسفه

بناگر جانست را کجا قرار می دهی با چه ظرافتی و تعبیر زیبا و جامعی امام صادق (ع) دقت در امر ازدواج را به ما متذکر می شوند. پیچیدگی امر ازدواج در دوره ی کنونی و تنوع اخلاقیات و سلاقیات و عقاید در بین جوانان می طلبد که با ازدواج برخورد ساده نشود. امروز گرچه موضوعات متنوع آموزشی، سطح فرهنگ و اطلاعات جوانان را بالا برده و بحمدالله شاهد شکوفایی نسل جوان در ابعاد گوناگون هستیم اما در میان انبوه این آموزش ها، جای آموزش ازدواج و انتخاب صحیح خالی است و کسب حداقل آگاهی چه در اصل انتخاب، چه نحوه ی انتخاب و چه بعد از انتخاب همسر توسط جوانان لازم و ضروری به نظر می رسد.

در ذیل مختصری از نکات انتخاب و خواستگاری را ذکر می کنیم، امید است که مفید فایده افتد.

اگر بخواهید کتاب، لباس یا هر چیز هزینه بر دیگری را تهیه کنید، حتماً زمانی را به آن اختصاص می دهید اما آیا برای ازدواج و بهترین سال های عمرتان وقت صرف می کنید تا همسر مناسب خود را برگزینید؟

پیوند عاشقانه و زندگی توأم با آرامش و صمیمیت حاصل نمی شود مگر این که قبل از آن با چشمانی باز و عقلی هوشیار به ارزیابی و شناخت طرف مقابلتان اقدام کرده باشید. فلسفه ی خواستگاری و جلسات آن هم دقیقاً پاسخ به همین مسئله است چرا که جلسه خواستگاری فضایی برای شما به وجود می آورد تا با تائی و فرصت کافی «هم سر» و رازدار خود را انتخاب کنید.



خواستگاری حواس جمع مے خواهد

نمونه ای از سئوالات تحقیق

- در مورد فرد (دختر/پسر)
از: **دوستان، خانواده**
راجع به: **هدف از ازدواج، برنامه ی آینده ی زندگی**
- ۱- صفات همسر ایده آل خود را چه می دانسته است؟
 - ۲- در مورد آینده ی زندگی خود (خانوادگی، تحصیلی، کاری) برای شما چه صحبت هایی کرده است؟
 - ۳- آیا می دانید هدف او از ازدواج چیست؟
- از: خانواده، دوستان، همکاران و کسبه، همسایگان، محل تحصیل (استاد، همکلاسان،) فامیل**
راجع به: **اعتقادات مذهبی و میزان پایبندی به آن ها**
- ۱- چقدر به نماز اهمیت می دهد؟ آیا در نماز جماعت شرکت می کند؟
 - ۲- حجاب او را چگونه می بینید؟
- از: خانواده، فامیل، همسایگان**
راجع به: **اخلاق خانوادگی**
- ۱- صفت بارز اخلاقی او در خانواده چیست؟ چه صفات خوبی در او می بینید؟
 - ۲- کدام اخلاق خویش شما را جذب کرده است؟
 - ۳- کدام رفتار او را نمی پسندید؟
 - ۴- حساسیت های او در رابطه با خانواده اش چیست؟ از چه اخلاقی بدش می آید؟
- از: دوستان، محل تحصیل، همکاران، همسایگان**
راجع به: **اخلاق فردی - اجتماعی**
- ۱- رفتار اجتماعی او را چگونه می بینید؟ چقدر اهل معاشرت است؟
 - ۲- از فضایل اخلاقی، کدام موارد را در او بیشتر می بینید؟
 - ۳- در چه مواقعی عصبانیت او را دیده اید؟
 - ۴- به چه کسانی از دوستان خود، بیشتر رفت و آمد دارد؟ (چه تیپ افرادی)
 - ۵- چقدر رازدار است؟
- از: دوستان، همکاران، خانواده**
راجع به: **وضعیت اقتصادی**
- ۱- آیا از میزان درآمد او اطلاع دارید؟ آیا از کار و درآمدش راضی است؟
 - ۲- پول هایش را بیشتر در چه مواردی خرج می کند؟
 - ۳- وضعیت مسکن او چگونه است؟
 - ۴- از چند سالگی سر کار رفته است؟
 - ۵- برنامه ریزی اش برای آینده شغلی اش چیست؟
- از: خانواده، دوستان، فامیل**
راجع به: **توانمندی ها**
- ۱- چقدر او را برای اداره ی زندگی توانمند می بینید؟
 - ۲- پیروزی های او در زندگی چه بوده است؟ چقدر او را موفق می دانید؟ الگوی او در زندگی چه کسانی هستند؟

- خیرخواهانه آن ها نیز بهره مند شوید.
- همه تلاشتان این باشد که خوب بشناسید و خوب بشناسانید: چرا که ازدواج موفق دو شرط دارد: خوب انتخاب کردن و خوب انتخاب شدن. عمده دغدغه ی افراد، خوب حرف زدن است در حالی که در خواستگاری خوب گوش دادن مهم تر و لازم تر است.
- اسراری که لازم است در زندگی مشترک، همسران بدانند و در تصمیم گیری او می تواند مؤثر باشد، هنگام گفتگو با او در میان بگذارید.**
- اسراری که بین تو و خدایت است بگذار بین تو و خدایت باقی بماند و به هیچ وجه آن ها را نگو، مثل گناهی که مرتکب شده ای مگر مواردی که بعد از ازدواج برای او روشن خواهد شد.**
- اسراری که تو و خانواده ات می دانید را در جلسات آخر به او بگو مثل زندانی شدن برادرت.**
- اسراری که همسایگانتان می دانند در جلسه دوم بگو مثل اعتیاد عمویت.**
- اسراری که همه می دانند را در همان جلسه اول بگو مثل معلولیت خواهرت.**
- عیسی که امکان دارد گفتن آن یک خواستگاری را بر هم بزند، مطمئناً نگفتن آن، یک زندگی را به هم خواهد زد.**
- اگر شما داری نقض عضو یا بیماری هستید، باید به طور کامل و به دور از ابهام در مورد علایم آن و روش درمانی اش توضیح دهید.**
- عنوان کردن بعضی مسائل زمان خاصی را می طلبد مانند عیب ها و اسراری که باید در آخرین مرحله خواستگاری گفته شوند.**
- اگر طرف مقابلتان از جواب سئوال شما طفره رفت، سئوالتان را به همان شکل در جلسات دیگر یا به طرز دیگری در همان جلسه بپرسید. در صورت جواب ندادن، به او بگویید جواب سئوال خود را نترغتم و اگر موفق نشدید باید از راه تحقیق به جواب برسید.**
- طفره رفتن از پاسخ به سئوالات نشانه هشدار برای شماست؛ زیرا مسائلی را ممکن است از شما پنهان کند که زندگی شما را یک عمر تحت تأثیر قرار دهد.**
- سئوال هایی که جواب آن نیاز به توضیح دارد، تشریحی بپرسید نه به صورت بله و خیر. مثلاً به جای این که بپرسید آیا شما عصبانی می شوید سئوال کنید موقع عصبانیت چه می کنید؟ چون به هر حال همه عصبانی می شوند.**
- اگر از جواب دادن او به سئوالی قانع نشدید، از او بیشتر توضیح بخواهید تا به نتیجه ی دلخواه دست یابید.**
- از سئوالاتی که در بطن آن جواب نهفته است و طرف با بله و خیر می تواند از آن بگذرد، پرهیز کنید.**
- سئوالات کلی نپرسید مثلاً ایمانتان در چه حدی است؟ این سئوال باید به چند سئوال تقسیم شود. (نماز، روزه، صبر در مشکلات و...)**

مشاوره

- مشورت کردن تنها مربوط به تصمیم نهایی نیست؛ بلکه در صورت نیاز باید در تمامی مراحل آشنایی، خواستگاری، انتخاب و تحقیق صورت گیرد تا تصمیم نهایی عقلمندانه تر و همراه با آرامش بیشتر در زمان کم تری صورت گیرد.**
- تجربه نشان داده است که مشورت باعث تصمیم گیری درست و به موقع می شود. به فرمایش پیامبر (ص) هیچ کس به مشورت با دیگری نپرداخت مگر این که به راه درست راهنمایی شد.**
- امام علی (ع) فرمودند: هیچ پشتیبانی همچون مشاوره و مشورت کردن نیست.**
- مشورت یعنی از نظرات و تجارب دیگران در زندگی مان استفاده کنیم و همه چیز را خود تجربه نکنیم.**
- مشورت قبل از ازدواج باعث می شود که شما از مشکلات زندگی مشترک آگاه شوید و در لحظه مواجهه با آن صورتی، عقلمندانه تر و با اضطراب کم تر با آن برخورد کنید.**
- معنای توکل:** توکل یعنی در تمام مراحل شناسایی، تحقیق، مشورت و ارزیابی، نگاهتان رو به خداست و با اتکاء به او عمل می کنید.
- معنای استخاره:** استخاره در اصطلاح روایات بیشتر طلب خیر قبل از اقدام به عمل است نه پس از عمل که به این معنا بسیار نزدیک به توکل می شود. استخاره را نباید دانستن علم غیب دانست، استخاره نه کلامی از احکام غیب است نه احکام غیب را تغییر می دهد. استخاره نباید جای تحقیق، مشورت و تفکر و توکل را بگیرد.
- تقید به استخاره ارزش نیست. اگر پسر و دختر از نظر اخلاق و دین و ملاک ها تفاهم دارند دیگر احتیاجی به استخاره نیست.**
- دلایل نامزدی**
- معمولاً مهم ترین دلیلی که برای انتخاب این دوره عنوان می کنند شناخت کامل تر دو طرف از همدیگر است.**
- یک انتخاب خوب، به دنبال شناخت صحیح دو طرف از همدیگر است و این شناخت، مستلزم ارزیابی و شناسایی منطقی و عقلمندانه از رفتار، اخلاقی و شخصیت همدیگر می باشد. به همین دلیل برخی بر این باورند که دوران نامزدی فرصت مناسبی برای تکمیل شناخت خود در مراحل خواستگاری است.**
- در دوره ی نامزدی تعلقات شکل می گیرد و با برخورداری طرفین از احساسات فوق العاده نمی توانند مسائل را منطقی و عقلمندانه ارزیابی کنند و معمولاً جوانان، دچار خوش بینی کاذب شده و همه چیز را صحیح و زیبا می بینند.**
- اگر به دلیل کمی سن، قصد انتخاب این دوران را دارید ممکن است وقتی به سن قابل قبول خود و خانواده تان رسیدید با توجه به تجربیات و رشدی که داشته اید اصلاً نظراتان در مورد این شخص به کلی عوض شود. اگر واقعاً خواستار همدیگرید باید در موقعی مناسب، بدون دغدغه و با آرامش خاطر و فراغ بال بیشتر، به ارزیابی و شناخت از همدیگر بپردازید.**
- نامزدی به خود خود دارای محدودیت هایی هست و با سربازی به معمولاً زمان بر است این محدودیت تشدید می شود. توجه داشته باشید وقتی از هم دورید نه شناختی می توانید به دست آورید و نه لذتی از این دوران می برید، بهتر نیست عقد کنید!**
- اگر نداشتن شغل مناسب شما را مجبور به انتخاب این دوران کرده است؛ اولاً از کجا مطمئنید یک شغل مناسب پیدا کند و یا اگر هم پیدا کرد مورد قبول شما باشد. ثانیاً ممکن است به خاطر جلب رضایت شما متوسل به ظاهرسازی شده و به شغل های کاذب و خلاف روی بیاورد.**
- اگر به سن ازدواج رسیده اید و مورد مناسب داشتید ولی به خاطر خواهر یا برادر بزرگتان می خواهید فعلاً نامزد کنید ممکن است:**
- الف - به آن زودی، که فکر می کنید تکلیفتان روشن نشود.**
- ب - به خاطر شما، خواهر یا برادرتان نسنجیده عمل کند یا از عمل شما احساس سرخوردگی کند.**
- دچار یک عشق یا علاقه ای شده اید که به هیچ وجه نمی توانید از هم دل بکنید ولی در عین حال از این که به هم می خورید یا نه! تردید دارید برای همین فکر می کنید با یک دوره نامزدی می توانید نسبت به صحت این عشق اطمینان حاصل کنید. توجه داشته باشید عشق آتشین همراه با تردید یک اشتباه است و این که نامزد هم بکنید یک اشتباه بزرگ تر است.**
- خلاصه نویسی: ریحانه جوراب پوریان، روانشناسی منبع: مجموعه بهتر از آیین و شمعدان نشر حدیث راه عشق**

نگاه سینمایی بقیچه



فرق اصلی «روز روشن» با سایر آثار اجتماعی این سالها و کلید اصلی درک این تفاوت در «قهرمان» داشتن این فیلم و عدم وجود قهرمان در سینمای روشنفکری است. «روز روشن» قهرمان فعالی دارد که با وجود نشان دادن زشتی‌های جامعه در فیلم در نهایت مشکل را حل می‌کند. یک راننده که در ابتدا ظاهراً فقط یک راننده آژانس ساده است اما در نهایت تبدیل به قهرمان ماجرا می‌شود. شخصیت دغدغه‌مندی که هم انسان مطلوب فیلم‌ساز است و هم عصری که حضورش باعث می‌شود فیلم از یک‌جانبه‌گرایی خارج شود و به چاه سیاه‌نمایی نیفتد. این اصل اساسی تمایز بین «انتقاد کردن» و «تق زدن» است. تمایز بین «سینمای افسرده» و «سینمای امید». اگر مدیران سینمایی دولت جدید به واقع دنبال تحقق «سینمای امید» هستند «روز روشن» نمونه‌ی خوبی است. فیلمی که «قهرمان» دارد. این لازمه‌ی تحقق سینمای اجتماعی امیدبخور است.

منبع: محراب نیوز

افراد جامعه در قبال هم می‌شود و به جای زدن یک حرف غلط تکراری، حرف اجتماعی مهم و درستی را بیان می‌کند. این اتفاق حرفی است که بد گفتن‌ش باعث می‌شد فیلم به جای تبدیل شدن به یک فیلم اجتماعی منتقد اما منصف، تبدیل شود به فیلمی تلخ که همه چیز را سیاه می‌بیند و تمام افراد جامعه را دروغگو و منفعت‌طلب نشان می‌دهد و همه درها را بسته می‌داند. کافی بود همین فیلم را یک شبه روشنفکر غرب‌زده می‌ساخت تا ببینیم چه محصول جشنواره‌پسند و یاس‌آوری از دل آن بیرون می‌آمد. اما جز نگاه منصفانه‌ی شهبایی به شخصیت‌ها چه چیزی باعث شده است که «روز روشن» به جای تبدیل شدن به اثری دیگر در بین فیلم‌های «سینمای افسرده» شبه‌روشنفکران وطنی به اثری امیدوارانه و روشن تبدیل شود؟ پاسخ این سوال را باید در «قهرمانی یافت که در فیلم حسین شهبایی هست و اساساً در سینمای روشنفکری ایران و مبدا اصلی‌ش یعنی سینمای اروپا نیست.

نگاه به فیلم خوب «روز روشن»؛

ساخت یک فیلم اجتماعی منتقد امیدوارانه

ظاهر داستان «روز روشن» مانند بسیاری از آثار «ضدقصاص» سال‌های اخیر دم مرگ بودن یک جوان بی‌گناه است: «جوانی به اتهام قتل برادر صاحب شرکتی که در آن کار می‌کرده در زندان است و قرار است تا ساعاتی دیگر آخرین جلسه از دادگاهش تشکیل شود و حکم قصاص صادر، اما با این وجود تمام افرادی که شاهد ماجرا بوده‌اند و از بی‌گناهی جوان خبر دارند به دلیل اینکه نمی‌خواهند با صاحبان شرکت درگیر شوند و زندگی و موقعیت شغلی‌شان به خطر بیفتد حاضر نیستند در دادگاه حاضر شوند و شهادت دهند. فیلم داستان تلاش چند ساعته‌ی یک زن - پانته‌آ بهرام - برای راضی کردن شاهدین ماجرا برای آمدن به دادگاه و شهادت دادن به بی‌گناهی جوان است.»

همین خلاصه داستان اتفاقاً شاید بزرگترین نکته‌ی منفی فیلم حسین شهبایی به حساب آید. قصاص حالا دیگر موقعیت دستمالی و کلیشه‌شده ایست و طبعاً اگر کارگردان و نویسنده جدیدی دنبال به تصویر کشیدن موقعیت یک جوان بی‌گناه نزدیک چوبه‌ی اعدام باشند، از منظر قصه‌پردازی و خلاقیت داستانی خیلی نباید نمره‌ی بالایی بگیرد. اما برگ برنده فیلم آنجاست که این داستان ظاهراً قصاص را بهانه‌ای برای زدن حرف‌های دیگر قرار می‌دهد. برای یک نقد اجتماعی جدی و مهم. ظاهر داستان «روز روشن» شاید در مورد جوان بی‌گناهی باشد که چند ساعت بیشتر یا صادر شدن حکم قصاص فاصله نداشته باشد، اما تمرکز اصلی قصه روی افرادی است که با دانستن بی‌گناهی جوان به خاطر منافع مالی خود حاضر به شهادت دادن در دادگاه نیستند. به همین دلیل اساساً فیلم به جای آنکه به دام آثار «ضدقصاص» بیافتد تبدیل به اثری در مورد مسئولیت‌های اجتماعی

امیر ایلی

همزمانی داغ شدن بحث‌های مربوط به «سینمای امید» در رسانه‌ها و در سخنرانی‌های مدیران سینمایی کشور در روزهای پیش از آغاز جشنواره سی‌ووم فجر که ظاهراً قرار است با محوریت این رویکرد و جهت‌گیری برگزار شود، با اکران عمومی - هر چند به‌طور - «روز روشن» از یک جهت تقارن مهم و قابل بحثی است؛ اینکه اساساً «سینمای امید» می‌تواند مهم‌ترین درجه برای ورود به بحث در مورد «روز روشن» باشد اولین فیلم سینمایی «حسین شهبایی» از آن فیلم‌هایی بود که اتفاقاً در جشنواره‌ی سال گذشته مورد توجه قرار گرفت و نظر مثبت خیلی‌ها را جلب کرد اما در انتها در داوری‌ها کاملاً نادیده گرفته شد و حتی در بسیاری از رشته‌ها که لیاقتش را داشت کاندیدا هم نشد. سیری که ظاهراً در اکران فیلم هم ادامه پیدا کرد و «روز روشن» در بدترین روزهای اکران سال چند روز مانده به آغاز جشنواره - و در چند سانس محدود اکران شد.

اما با همه‌ی این اوصاف چرا می‌گوییم بحث‌های دنباله‌دار این روزها در مورد «سینمای امید» مهم‌ترین درجه برای ورود به بحث در مورد «روز روشن» است؟ این نکته‌ی مهمی است که در روزهای برگزاری جشنواره فجر گذشته و اساساً پیش از آنکه ترکیب «سینمای امید» با آمدن دولت جدید وارد فضای سینمایی کشور بشود هم به آن اشاره کردیم؛ اینکه اولین ساخته‌ی حسین شهبایی جزو چند فیلم اجتماعی سال‌های اخیر است که با وجود بیان یک نقد اجتماعی تند و جدی، نه یاس‌آور است و نه به جای نقد به مردم توهین می‌کند. و از همه مهم‌تر هم اینکه به جای افتادن به دام پایان‌های تلخ مثل تأثیر گذار، پایانی کاملاً روشن و امیدوارکننده دارد.

تیرین‌ها

در این ستون در نظر داریم بهترین‌های دانشکده‌های مختلف دانشگاه تهران مرکز را به شما دوستان عزیز معرفی کنیم. منتظر دوستانتان که خود را جزء این دسته دانسته یا معرفی دوستانتان که حس می‌کنید جزء بهترین‌ها به حساب می‌آیند هستیم.



سرکار خانم غیاثوند از کادر محترم حراست مجتمع دانشگاهی ولی عصر (عج) خوش برخورد، دارای سعه صدر و وجدان کاری بالا ساعتها بدون خستگی با برخورد مناسب مجری مقررات دانشگاه است.



جناب آقای یعقوب سلیمانی مرد فنی دانشگاه نزدیک به بیست و سه سال با دست و پنجه طلایی و روحیه خوب گره گشایی اش گره از مشکلات تاسیسات دانشگاه باز می‌کند.

المان‌های لازم برای خوشبختی با اعمال الشاقه

قابل توجه دختر و پسرای که تا حالا نتونستن کوله بار عشقشون را به سزمنزل مقصد برسون و هنوز یال قوز موندن اما قلباشون برای همراهی با یک همسر که واقعا هم سرشون باشه می‌تپه. می‌خواهیم مشکلاتی رو که باعث مایوس شدن ما جوونا از ازدواج میشه یا نسخه پیچیدنای دیگران رو که باعث سنگ اندازی تو این امر مهمه، از زبان خودتون در این قسمت ماهنامه چاپ کنیم شاید تلنگری برای همه باشه که بابا از وقت ازدواجمون داره می‌گذره به فکری، تبدیری... به حال خودمون بکنیم. انگار راسی راسی کسی ما را دوست نداره ها!

پس درد و دل‌تونو براون بفرستید، بیارید. هرچو که راحتید ولی بالا غیرتاً سر کارمون نذارید به وقت چیزی برای چاپ نداشته باشیم همه فکر کنند سرخوش سرزندگی مشترکمونیم و هیچ دردی ام نیست، منتظریم در پناه حق.

خدایا چه بخورم؟

رب انار بهترین درمان برای برفک دهان: این در حالی است که طب جدید هنوز داروی قطعی برفک را کشف ننموده پس چه خوب است، هر از چندی بچه‌ها به جای تقلبات غیر مفید مقداری رب انار میل کنند.

سعی کنیم از خوردن انار در روز جمعه به عنوان عمل مستحبی که مورد سفارش اسلام بوده، غافل نباشیم که در آن اسراری نهفته است. انجیر میوه بهشت است، بواسیر را درمان می‌کند، ورم مفاصل را بهبود می‌بخشد، روده‌های بدن را نرم می‌کند، بر یادهای قولنج مفید است، استخوان را محکم می‌کند، مو را تقویت می‌کند، همچنین آمده: هر کس بخواد دلش رقیق و نرم شود همواره انجیر بخورد، بوی دهان را می‌برد، درد را می‌برد تا جایی که با آن احتیاجی بر دوا نباشد.

متخصص علم تغذیه می‌گویند:

- انجیر دارای مقدار فراوانی از دیاستازهای مختلف و ویتامین‌ها و املاح معدنی و مواد قندی است و برای دستگاه گوارش بسیار نافع است.
- انجیر اگر با عسل خوب و خالص و طبیعی به طور مساوی مخلوط شود، بهترین درمان برای زخم معده می‌باشد.
- انجیر طبیعی ترین درمان برای افراد دارای بیوست است؛ زیرا فعالیت روده را تنظیم کرده، از پس ماندن غذا در دستگاه گوارش جلوگیری می‌نماید.
- انجیر نشاط آور و فرح بخش است.
- ارزش غذایی انجیر زیاد شده دو برابر میوه تازه آن می‌باشد.
- انجیر حاوی مقدار زیادی فسفر می‌باشد که برای هوش و حافظه افراد نقش مهمی دارد.
- همچنین آهن و کلسیم موجود در انجیر بهترین درمان و طبیعی ترین علاج برای کم خونی کودکان است؛ قابل ذکر است بچه‌هایی که کم خونی معمولی دارند پر خاشگر، منزوی و یا ترسو می‌شوند. متن فوق آخرین شماره این ستون در این ترم بود، چنانچه تمایل دارید این ستون در ترم بعد نیز ادامه داشته باشد لطفاً به سامانه پیامکی نشریه پیامک دهید.

منبع: خدایا چه بخورم؟ زبیده خدایی، نشرنگاران نور، خلاصه نویسی: مریم یوسفی، ارشد روانشناسی

قسمت عمده عصبانیت‌ها، استرس‌ها و بدخلقی‌ها را کشف و خنثی نموده. نظر حکیم فرزانة تاریخ، بوعلی سینا دلیل این مدعاست. شیخ رئیس می‌فرماید: «مجموعه اخلاقیات و رفتارهای انسانی در خون شکل می‌گیرد و خون نیز از غذا تولید می‌گردد.»

در شماره‌های قبل از غذا تولید می‌گردد. خرما و زیتون گفتیم، در این شماره انجیر و انار را معرفی می‌کنیم.

- ۱- رسول خدا(ص) فرمودند: هر کس انار بخورد قلبش را روشن می‌گرداند و تا چهل روز وسوسه را از دلش برمی‌دارد.
- ۲- امیرالمؤمنین (علی) فرمودند: انار را با پیه (سفیدی) آن بخورید که معده را دباغی می‌کند و هر دانه‌ای از انار زمانی که در معده مستقر گردید حیات قلب و روشنگر نفس است و وسوسه‌های شیطان را تا چهل روز ضعیف می‌نماید.
- انار از میوه‌های پر خاصیتی است که دارای ویتامین‌های C، B1، B2 فراوانی است.
- انار کلسیم و پتاسیم قابل ملاحظه‌ای دارد که برای تصفیه خون مؤثر است.
- انار دارای ترکیبات مواد آلی می‌باشد و بهترین درمان برای کم خونی و ضعف اعصاب و تقویت عمومی بدن است. (توجه به این نکته مهم است که در روایات به خواص انار شیرین بیشتر اشاره شده است.)
- انار خلط آور می‌باشد و برای کسانی که طبع گرم دارند مفید است.
- انار از نشاط آفرین هاست و در دفع کرم روده مؤثر بوده و معده و روده‌ها را پاکسازی می‌نماید.
- جالینوس حکیم توانا معتقد است که خون فاسد، موجب غم و اندوه می‌شود و خوردن انار سبب پاکسازی ماده حیاتی بدن انسان یعنی خون می‌شود و خوردن این میوه زیبا مطمئن ترین و کم هزینه ترین راه تصفیه و تخلیه خون و رگ‌های بدن است.

آیا وقت آن نرسیده به اطراف خود نگاهی کنیم و اعصاب‌های خرد شده، رنگ‌های پریده، خستگی‌ها و عدم رضایت‌ها، اضطراب و استرس‌ها و احساس ناامنی کودکان معصوم، نوجوانان و جوانان را مشاهده کنیم؟

آیا می‌دانید غلبه صنعت بر طبیعت، تحوّل جدی در کیفیت مواد غذایی ایجاد نموده و ضرر و زیان بسیاری بر تغذیه مردم گذاشته است؟ آیا می‌دانید اکثر خوردنی‌ها و آشامیدنی‌ها با ظاهر زیبا، شکل و دلبپذیر ارزش غذایی و ماهیت حیاتی خود را از دست داده و مشتی تفرقه بیش نیستند؟

این چراها و چراهای دیگر حکم می‌کند پیوسته، عاجزانه و خالصانه از پیشگاه خداوند طلب کنیم: خدایا چه بخورم؟

خوشبختانه تأثیر غذا بر رفتار و خلق و خوی انسان ثابت شده است به طوری که می‌توان غذاهایی را به افراد عصبی و خشن توصیه کرد که بر رفتارهای خشن و اخلاقی تندشان مؤثر باشد و بیمار را به فردی ملایم و خوش خوی تبدیل کند.

بدون شک در تغذیه اسراری نهفته است که باید عالمان فن با تلاش و کوشش فراوان از آن پرده برداری نمایند. دانشمندان بزرگ تغذیه و مهندسی کشاورزی که عمری را در مطالعه خواص گوناگون میوه‌ها صرف نموده‌اند، معتقدند کمتر میوه‌ای است که برای بدن انسان از نظر غذایی به اندازه خرما، زیتون، انگور و انار سودمند و پندآمیز باشد. میوه‌های قرآنی مثل انگور، خرما، زیتون، انار و انجیر و... دارای خواص و فواید فراوانی هستند و به قول معروف از دیگر میوه‌ها یک سر و گردن بلندترند. طلاق به دلیل عدم تحمل هر دو طرف، اعتیاد و صدها معضل اخلاقی دیگر به ظاهر راهی برای فرار از مشکلات شده است؛ در حالی که می‌توان با یک بازنگری عالمانه و آگاهانه در بخش تغذیه خانواده‌ها

کلاس
دانشجوی زندگی

مدیریت احساس

جناب آقای
دکتر غلامرضا محمودی

عضو محترم هیات علمی
گروه روانشناسی

زمان : چهارشنبه ها ساعت ۱۳ الی ۱۴
اولین جلسه ۷/ ۱۲/ ۹۲
تعداد جلسات : ۵ جلسه
مکان : ساختمان ادبیات ، ط پنجم ، تالار فردوسی

رد پای بقیچه

مدیر مسئول: سمانه فیضری
سر دبیر: محدثه عسکری
دبیر سرویس خبری: زینب امیدی پناه
طراح و صفحه‌آرا: مهدی رجبی

هیأت تحریریه: محدثه سادات پرپین چی، ریحانه پوریان، خدیجه تاجر، لیلا شریفیان، بشری قربانی، مریم یوسفی همکاران این شماره: سیده کرامتی، طاهره فهیمی نجم، یونس مشرقی، نگار فیض آبادی، مصطفی آقامحمدلو، آذر ایرانی

تیراز: ۲۰۰۰ نسخه
صاحب امتیاز: دفتر نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه

جهت دریافت فایل نشریه به سایت mahad8.ir مراجعه نمایید.
نکته: کلیه مطالب درج شده نظر نویسندگان میباشد و الزاماً نظر نشریه بقیچه نیست. نقد و یا تایید آن توسط شما بلا مانع بوده و قابل درج میباشد.

نشانی: دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز - مجتمع دانشگاهی ولیعصر (عج) - ساختمان C طبقه اول - اتاق ۱۱۲
تلفن: ۳۳۳۵۷۲۲ سامانه پیامکی: ۳۰۰۲۸۲۵۶۵۵۲۲
پست الکترونیک: Vkhmantaghe8@yahoo.com boghcheh.1390@gmail.com
وبلاگ: mahnamehbooghcheh.blogfa.com

پيامک: هديه خاين و بگيريد

هر شماره ۲ برنده

جواب سوال ذیل را از متن نشریه همراه با نظرات خود درباره نشریه به سامانه پیامکی ۳۰۰۲۸۲۵۶۵۵۲۲ ارسال نمایید.

بنا بر فرمایشات امام خمینی (رحمت‌الله علیه)
انقلاب بزرگتری که پس از انقلاب اول (یعنی ۵۷) روی داد کدام واقعه تاریخچه بود؟

اسامی برندگان شماره قبل:
علی اکبر شمس
دانشجوی فقه و حقوق از مجتمع ولیعصر (عج)
مقصود وثوقی پور سر چشمه
از دانشکده اقتصاد و حسابداری
فاطمه باغ لوجه لویی
از دانشکده اقتصاد و حسابداری

افتتاح سایت دانشجویی بیست
همزمان با لحظه تحویل سال
ساعت ۲۰
Best iran student
بهترین دانشجویان ایران در
www.beist.ir